

خارج اصول فقه (۱۴۰۲-۱۴۰۳) - جلسه ۵۴

تاریخ: شنبه ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

[درس اخلاق]

اليوم يؤس الذين كفروا من دينكم ...

به اقتضای این آیات امامت از اصول است.

ما چهار وظیفه در قبال امامت داریم: معرفت، اعتقاد و اعتماد و اعتدال، تبلیغ مثبتات و دفاع.

مخالفان امامت: متعصبان عامه، ناسیونالیزم ایرانی، دشمنان انقلاب ایران و نابخردانی در دوران معاصر.

(توضیح)

۵- مشتق

۵-۸- اقوال در مسئله و اسناد آنها

۵-۸-۲- اسناد اقوال

۵-۸-۲-۴- تحلیل و نقد اسناد قول اعمی:

بحث قاعده ی جب قرار شد که سند نداشته باشد؛ ولی مشهور است. هرچند سند ندارد، مشهور است؛ یعنی به شدت ضعف سند دارد از نظر مبنای امامیه، ولی به شدت مشهور است. قرار شد در این روایات چند موضع

داشته باشیم حداقل؟ سه موضع. البته با آنی که در کتاب قراردادها من آوردم، چهار موضع. حالا نگوئید چرا آن را نقل نکردی؛ آن گفتم خودتان مراجعه کنید. بالأخره مبنای مشهور همین سه تا است. می‌دانید که بعضی‌ها قائل به جبر هستند (جبران)؛ بعضی‌ها مخالف‌اند؛ بعضی‌ها می‌گویند اگر مشهور به آن روایت استناد کنند، سند جبران می‌شود؛ اگر به آن روایت استناد نکنند، صرف موافقت فتوای مشهور با مفاد خبر ضعیف، روایت را اصلاح نمی‌کند. این در این مورد. خوشبختانه در مورد روایت جب ما هم شهرت داریم، هم استناد علما را به این روایت داریم؛ به همین خاطر کسانی که قاعده جب را مطرح می‌کنند، می‌گویند به خاطر فرمایش پیامبر؛ استناد می‌کنند. لذا به نظر ما آقایان در این جا ... چون ما مبنای جب را قبول داریم. اگر با استناد باشد دیگر راحت قبول می‌کنیم. از این جهت من به شما بگویم: قاعده جب، روایتش قابل استناد است. از همین جهت قاعده جب زنده می‌شود.

ولی من چه به شما بگویم؟ مگر قاعده جب روایت می‌خواهد؟ وقتی آیاتی در قرآن داریم (انفال، آیه ۳۸، سوره بقره، آیه ۲۷۵، سوره نساء، آیه ۲۲ و ۲۳، مائده، آیه ۹۵) اصلاً نیاز نداریم به جبر ضعیف سند. ما خدمت بعضی اساتید بودیم، به مناسبت قاعده جب مطرح شد، همین قاعده جب روایتش ضعیف‌السند است. آقای خویی و این‌ها هم که می‌دانید، اصلاً به جبر قائل نیستند. می‌گویند شهرت، نه روایت را ضعفش را برطرف می‌کند، نه ضعف سندش را برطرف می‌کند؛ ولی خب ما در جای خودش جب را فی‌الجمله (نه مثل صاحب جواهر به طور کلی) پذیرفته‌ایم و معتقدیم قاعده جب، روایتش قابل دفاع است؛ چنان‌که نیاز به روایت هم ندارد قاعده جب. این را تا این جا داشته باشید.

یک نکته‌ای بگویم تا شما را حساس کنم. معمولاً در کلمات هست که اگر روایتی ضعیف‌السند مورد عمل مشهور قرار بگیرد، عمل مشهور جابر ضعیف سند است. از این مطلب شما چه می‌فهمید؟ از این عبارت می‌فهمید جابر ضعیف سند است، یعنی سند را درست می‌کند که این سند اگر در روایت دیگری هم باشد، آن هم درست می‌شود؛ ولو آن‌جا مشهور نباشد. ممکن است یک سند ضعیف، بیست روایت نقل کند؛ اگر یک جا عمل مشهور به این سند و روایت این خورد، آیا جاهای دیگر هم سند اصلاح می‌شود؟ عبارت آقایان این است که عمل مشهور جبر ضعیف سند می‌کند؛ نمی‌گویند جبر ضعیف روایت می‌کند. البته گاهی هم می‌گویند جبر ضعیف روایت. ما در جای خودش گفته‌ایم این را درست تعبیر کنید. می‌خواهید بگوئید جبر ضعیف سند می‌کند؟ مثلاً در این روایت نبوی جب، سند ممکن است روایات دیگر هم نقل بکند. آیا جاهای دیگر هم جبران می‌شود؟ ولو عمل مشهور نباشد؟ یا منظور جبر ضعیف سند در این روایت است؟ به عبارت بهتر بگوئیم جبر ضعیف روایت می‌کند. این را

در پاورقی من اشاره کردم و دومی مراد است. نمی‌خواهند بگویند اگر سند ضعیفی یک جا آمد در یک روایت و آن روایت مورد عمل مشهور قرار گرفت این سند دیگر خوب است؛ هر جا می‌خواهد برود، هر چه می‌خواهد بگوید. نه، مورد به مورد، باید عمل مشهور بر طبق آن باشد.

ما گفتیم «فروایه الباب قابله للاستناد اليها». روایت را بکنید روایات الباب (یک روایت نیست). «فروایات الباب قابله للاستناد اليها». بحث بعدی‌مان: «حدود دلالة القاعدة و قرائة جديدة منها». دو سه خط بروید بالا: «مضافاً الى ما قلناه و كتبناه مراراً». این را من هنوز توضیح نداده‌ام و سؤال دوستانم راجع به این دو سه خط بود. ان شاء الله فردا من این را توضیح بدهم و بعد می‌رویم سراغ گستره شناسی قاعده.

الحمد لله رب العالمين